



نه به عدل جمهوری

چرا جمهوری اسلامی با وجود این همه دشمنی، به سرنوشت نظام‌ها و انقلاب‌های دیگر دچار نشد؟ علت چیست و رازش چیست؟ من عرض می‌کنم راز پُرشکوه و افتخاربخش این نظام و ماندگاری این نظام همین دو کلمه است: یعنی «جمهوری» و «اسلامی». همراهی این دو کلمه با هم؛ و موجودی که از این دو کلمه تشکیل شده، باید هم پایدار بماند؛ هم جمهوری و هم اسلامی؛ مردم و اسلام؛ جمهوری یعنی مردم، اسلامی هم که یعنی اسلام؛ مردم‌سالاری دینی.

... و هر دو بخش این نظریه، یعنی نظریه جمهوری اسلامی را - هم بخش اسلامی‌اش، هم بخش جمهوری‌اش را - امام مربوط به اسلام می‌دانست، از اسلام گرفته بود و تسلط او بر مبانی اسلامی و معرفت عمیق او و جامعیت او در فهم مسائل اسلامی این نظریه را در ذهن این بزرگوار به وجود آورد...

خب مخالفانی هم داشت، این را هم عرض بکنیم. هر دو طرف قضیه، هم مسئله اسلامی بودن حکومت و حاکمیت اسلام، هم جنبه مردمی بودن حکومت و مردم‌سالاری، مخالفین سرسختی داشت از روز اول؛ تا امروز هم البته مخالفینی هستند که نظراتی دارند و من حالا اشاره می‌کنم...

مخالفان حاکمیت مردمی، یعنی مردم‌سالاری هم باز دو جبهه بودند: یک جبهه لیبرال‌های سکولار بودند که معتقد به مردم‌سالاری بودند، منتها می‌گفتند مردم‌سالاری به دین اصلاً ربطی ندارد، اصلاً در عرصه جمهوریّت و مردم‌سالاری باید لیبرال‌ها، مردان فن‌سالار و به تعبیر خودشان تکنوکرات، بیایند وارد بشوند؛ بنابراین مردم‌سالاری دینی، و جمهوری اسلامی، بی‌معنی است؛ پس با بخش جمهوری این‌ها مخالف بودند. یک عده هم کسانی بودند که باز معتقد به دین بودند، [منتها] می‌گفتند آقا حاکمیت دین به مردم ربطی ندارد، مردم چه‌کاره هستند، باید دین حکومت بکند، حاکمیت بکند؛ این‌ها هم یک عده‌ای بودند که حالا نمونه‌های این نظر دوم را این اواخر به شکل افراطی‌اش در این حضرات داعش ملاحظه کردید که این‌ها به اصطلاح به خیال خودشان معتقد به حاکمیت دین بودند، منتها مردم را هیچ‌کاره می‌دانستند!

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

۱۴ خرداد ۱۴۰۰